دریچه

قراردادهای خارجی ایران-۴

## تعهدات فی‌مابین فرانسه و ایران

تانیا تجلی

■ در سال ۱۸۰۶ یگان‌های روسی در بند، باکو، سالیانی، مغان و شهرهای دیگر ماوراء قفقاز را به تصرف در آوردند. در اثر این رویدادها شاه ناچار شد پیشنهاد فرانسویان را بپذیرد. رضاخان به عنوان نماینده شاه نزد ناپلئون فرستاده و مامور شد که پیمان با فرانسه را از سوی دولت ایران امضا کند.

در ماه می ۱۸۰۷ در قرارگاه ناپلئون نزدیک فین‌کنشتاین پیمان دفاعی-تعرضی ایران و فرانسه امضا شد. این عهدنامه به مناسبت محل عقد قرارداد به عهدنامه فین‌کنشتاین معروف شد و شامل یک مقدمه و ۱۶ ماده بود. فرانسه در این قرارداد متعهد شده بود که استقلال ممالک موجود ایران را تضمین کند و حق ایران بر گرجستان را به رسمیت بشناسد و به قوای ایران در تخلیه نیروهای روس از خاک ایران کمک کند، همچنین در زمان جنگ، نیرو و ادوات جنگی در اختیار ایران بگذارد. ایران نیز متعهد شد که به انگلیس اعلان جنگ فوری بدهد و آنان و اتباع‌شان را از خاک ایران خارج کند و سرحدات ایران را روی عموم عمال انگلیس ببندد و با افغان‌ها و قبایل هرات برای حمله به متصرفات انگلیس در هند متحد شود و در صورتی که ناپلئون قصد لشکرکشی به هندوستان را داشت به سپاه فرانسه اجازه عبور از خاک ایران را بدهد. در این عهدنامه آنچه به نفع فرانسه بود، همه واضح و مثبت و مواد راجع به منافع ایران مبهم و قابل تردید بود و در هر صورت ناپلئون می‌توانست آن مواد را بنا بر مقتضیات زمان و سیاست خویش توجیه و تفسیر کند.

بخشی از متن این معاهده که روز چهارم ماه می ۱۸۰۷م میان نماینده فتحعلی شاه و نماینده ناپلئون امضا شد، چنین بود:

**فصل اول:** مابین اعلیحضرت امپراتور فرانسه و اعلیحضرت امپراتور ایران صلح و مودت و اتحاد دایمی برقرار خواهد بود.

**فصل دوم:** اعلیحضرت امپراتور فرانسه برقرار ماندن خاک حالیه ایران را به جهت اعلیحضرت امپراتور ایران ضمانت می‌کند.

**فصل سوم:** اعلیحضرت امپراتور فرانسه اعتراف می‌کند که گرجستان به طور استحقاق تعلق به اعلیحضرت امپراتور ایران دارد.

**فصل چهارم:** اعلیحضرت امپراتور فرانسه متعهد می‌شود آنچه لازمه اهتمام است به عمل آورد که دولت روس را در تخلیه گرجستان و خاک ایران مجبور کند و این فقره به موجب معاهده باشد. این تخلیه همواره مطمح پولتیک و لازمه اهتمامات امپراتور خواهد بود.

**فصل پنجم:** اعلیحضرت امپراتور فرانسه یک نفر ایلچی مخصوص و اجزای سفارت در دربار دولت ایران خواهد داشت.

**فصل ششم:** چون اعلیحضرت امپراتور ایران مایل است عسکر پیاده نظام و توپخانه و قلعه‌جات خود را موافق وضع اروپا قرار بدهد، بنابراین اعلیحضرت امپراتور فرانسه متعهد می‌شود که هرقدر اعلیحضرت امپراتور ایران توپ صحرایی و تفنگ با سرنیزه لازم داشته باشد تهیه کند و قیمت اسلحه مذکور موافق قیمتی که در اروپا معمول است پرداخت خواهد شد.

**فصل هفتم:** اعلیحضرت امپراتور فرانسه - پادشاه ایتالیا متعهد می‌شود که هرقدر اعلیحضرت امپراتور ایران صاحب منصب توپخانه و مهندس پیاده نظام به جهت استحکام قلعه‌جات و ترتیب و انتظام قشون توپخانه و پیاده نظام خود موافق قواعد علم نظامی اروپا لازم داشته باشد، بدهد.»

**مفاد عهدنامه فین‌کنشتاین**

**تعهدات فرانسه به ایران**

۱. ضمانت استقلال تمامیت ارضی ایران
۲. شناختن حق ایران بر گرجستان
۳. وعده بذل مساعی کامل در مجبور کردن روسیه به تخلیه گرجستان و اراضی اشغالی ایران
۴. دخالت فرانسه در عقد عهدنامه صلح میان ایران و روسیه
۵. تعهد تدارک توپ و تفنگ و سلاح‌های دیگر به قدر لزوم به قیمت بازارهای اروپا به ایران
۶. اعزام عده‌ای افسر توپخانه و مهندس پیاده نظام برای تقویت و تعلیم ارتش ایران به سبک اروپایی.

**تعهدات ایران**

۱. قبول اعلان جنگ فوری به انگلیس
۲. قطع روابط سیاسی و تجاری به انگلیس
۳. احضار وزیر مختار از بمبئی
۴. اخراج کنسول و نمایندگان کمپانی انگلیس از خاک ایران
۵. بستن سرحدات زمینی و دریایی روی عمال انگلیس
۶. عقد اتحاد با افغان‌ها و قبایل هرات و قندهار و شوراندن آنها علیه انگلیس
۷. جلب رضایت افغان‌ها برای عبور ارتش فرانسه از راه ایران و افغانستان به سوی هندوستان
۸. قرار دادن بنادر ایران واقع در خلیج‌فارس برای ناوگان فرانسه و مرتفع کردن تمامی احتیاجات فرانسه در ایران.

فرانسه با امضا این عهدنامه می‌خواست، ایران را در جهت سیاست جهانی خود قرار دهد و این توجه به خاطر موقعیت حساسی بود که ایران داشت؛ از یک طرف با حمله به قفقاز دولت روسیه را از حملات به اروپا باز می‌داشت و از طرف دیگر فرانسه را در رساندن به هندوستان کمک می‌کرد.

کارنامه تاریخی - سیاسی الجزایر از دورترین زمان تاکنون

# از استعمار تا استقلال

سیروس غفاریان

مدت‌هاست که در الجزایر نیز مانند سایر کشورهای عربی اعتراضاتی صورت می‌گیرد ولی آنان تاکنون خواهان سقوط نظام حکومتی بوتفلیقه نشده‌اند زیرا ترس از آن دارند که در سایه ناامنی، حوادث همراه با کشتار مردم در دهه ۱۹۹۰ تکرار شود. مردم به ویژه جوانان بیکار فارغ‌التحصیل دانشگاه‌ها خواهان کار شده‌اند به‌طوری که عبدالعزیز بوتفلیقه رییس جمهور ۷۴ ساله این کشور بعد از سه ماه سکوت در ۱۵ آوریل ۲۰۱۱ از طریق تلویزیون با مردم الجزایر صحبت کرد و قول زندگی بهتر و اصلاحات در قانون اساسی داد. به خاطر این رویداد، ما تاریخ الجزایر را مرور می‌کنیم.

### نگاهی به تاریخ دیرپای الجزایر تا هجوم فرانسویان به این کشور

قبل از هجوم فرانسه به الجزایر در ۱۸۳۰، قدرت‌های گوناگون در این کشور سلطه داشته‌اند. در تاریخ باستانی شمالی الجزایر، به اقوام «نومیدیا» می‌رسیم که سوارکارانی ماهر بوده‌اند. ابتدا قوم کارتاژ به رهبری «هانیبال» بر الجزایر حکومت کردند سپس روم باستان برآن چیرگی یافت، سپس از مستملکات بیزانس شد. در ۸۰ هجری قمری عقبه‌بن‌نافع فهری ضمن فتح الجزایر، اسلام را به این سرزمین عرضه داشت. در دوران حاکمیت اسلام همه سلسله‌های اسلامی به ویژه فاطمیون که در مصر حکومت داشتند بر این کشور مسلط شدند. بالاخره در ۱۵۳۴ میلادی (۹۴۱هجری) عثمانی‌ها الجزایر را تسخیر کردند و حکامی به عنوان «بیک» در آنجا گماشتند. در ۲۵ اکتبر ۱۸۳۷ فرانسویان که به شمال آفریقا چشم طمع دوخته بودند، این کشور را کاملا تسخیر کردند و بیک حسین، حاکم الجزایر به عثمانی فرار کرد.

### مبارزات امیرعبدالقادر برای استقلال

بعد از هجوم فرانسویان، مسلمانان الجزایر به رهبری امیر عبدالقادر بر ضداستعمار قیام کردند. امیرعبدالقادر، رهبر سیاسی - مذهبی مردم الجزایر فرزند امیر محی‌الدین و از قبیله «مرابطون» بود که سابقه مبارزاتی داشتند. عبدالقادر مبارزات خود را از ۱۸۳۲ از بدو هجوم فرانسویان انجام داد و بعد از سلطه کامل فرانسویان در ۱۸۳۷ نیز جنگ با استعمارگران فرانسوی را ادامه داد. او در ۱۸۳۴ در چند جنگ بر فرانسویان شکست وارد کرد، به‌طوری که دولت فرانسه از او درخواست صلح کرد و طبق قراردادی فرانسویان حاکمیت اکثر نقاط الجزایر را به او سپردند و چند منطقه ساحلی را برای خود نگه‌داشتند. عبدالقادر به این امر قانع نشد و در ۱۸ نوامبر ۱۸۳۹ بار دیگر به فرانسه اعلان جنگ داد و لشکریان فرانسوی به فرماندهی ژنرال «بوژو» با عبدالقادر جنگیدند. اما سلطان محمد دوم، پادشاه مراکش که قول کمک به عبدالقادر داده بود، به وعده خود عمل نکرد و طی یک جنگ طولانی، امیرعبدالقادر در ۱۸۴۷ دچار شکست شد و به دست سپاه فرانسه اسیر و به دمشق پایتخت سوریه تبعید شد. او سرانجام در ۱۸۸۳ در ۷۵ سالگی در دمشق وفات کرد. پس از استقلال الجزایر در ۱۹۶۶ برای تجلیل از مقام او بقایای جسدش را طی تشریفاتی از دمشق به الجزایر منتقل و دفن کردند.

### تشکیل جبهه آزادی‌بخش ملی و مبارزات آن

استقلال الجزایر در سوم ژوییه ۱۹۶۲ مرهون اقدامات رزمی جبهه آزادی‌بخش ملی الجزایر است. این جبهه از اول نوامبر ۱۹۵۴ در کوه‌های کابیلی با هدف مبارزه مسلحانه با ارتش فرانسه شکل گرفت. قبل از تشکیل این جبهه کسانی مثل مصالی الحاج و فرحت عباس از مبارزان قبل از تشکیل جبهه آزادی‌بخش ملی بودند. دولت فرانسه بارها مصالی الحاج و فرحت عباس را زندانی کرد. اعضای جبهه آزادی‌بخش عبارت بودند از : احمدبن بلا، آیت احمد، یوسف بن‌خده، محمد خیذر، بلقاسم کریم، بن مهدی، هواری بومدین، رابح بیطاط، محمد بوضیاف و عده‌ای دیگر که همه بعدا به زمامداری الجزایر رسیدند. ستاد مبارزاتی دولت موقت الجزایر گاهی در قاهره و زمانی در تونس بود و گهگاهی به مراکش منتقل می‌شد. جمال‌عبدالناصر به این جبهه کمک تسلیحاتی می‌کرد و مدتی نیز فرحت عباس به‌عنوان رییس دولت موقت الجزایر در قاهره اقامت داشت.

### ربودن احمد بن‌بلا و ادامه نهضت استقلال‌طلبانه

در اوت ۱۹۵۶ در دره صمام در کوهستان‌های کابیلی بعد از اینکه احمدبن‌بلا درباره نقشه مبارزات آینده به اتفاق حسن آیت‌احمد و محمد بوضیاف تصمیم اتخاذ کرد، به مراکش رفت و در بازگشت با هواپیما توسط فرانسویان ربوده و زندانی شد و تا زمان استقلال الجزایر در زندان بود.

مبارزات مسلحانه ارتش آزادی‌بخش ملی که فرماندهی آن را سرهنگ هواری بومدین برعهده داشت، شدت گرفت به طوری که در ژانویه ۱۹۶۰ ژنرال دوگل، رییس‌جمهور فرانسه پیشنهاد صلح شجاعانه کرد. رهبران مبارز الجزایری با نمایندگان فرانسه در ۱۸ مارس ۱۹۶۲ قرارداد صلح «اویان» را امضا کردند که طبق آن باید مردم الجزایر در یک رفراندوم به استقلال خود رای دهند. در اول ژانویه ۱۹۶۲، ۹۰ درصد مردم الجزایر به استقلال کشور خویش رای دادند. روز سوم ژوییه ۱۹۶۲ این کشور بعد از دادن یک میلیون شهید به استقلال رسید و احمدبن‌بلا و دوستانش از زندان آزاد شدند. اولین دولت الجزایر به ریاست یوسف بن‌خده که فردی میانه‌رو بود، تشکیل شد. معاونت او را احمد بن‌بلا برعهده گرفت که تمایلات سوسیالیستی داشت.

> **استقلال الجزایر در سوم ژوییه ۱۹۶۲ مرهون اقدامات رزمی جبهه آزادی‌بخش ملی الجزایر است. این جبهه از اول نوامبر ۱۹۵۴ در کوه‌های کابیلی با هدف مبارزه مسلحانه با ارتش فرانسه شکل گرفت. قبل از تشکیل این جبهه کسانی مثل مصالی الحاج و فرحت عباس از مبارزان قبل از تشکیل جبهه آزادی‌بخش ملی بودند**

### ایجاد اختلاف بین دولتمردان الجزایری

شکل‌گیری حکومت رهبران مبارز الجزایر بر پایه اختلاف در نحوه حاکمیت پایه‌ریزی شد. به این‌ترتیب که محمد خیزر و احمد بن‌بلا به اتفاق سرهنگ بومدین که فرماندهی ارتش را برعهده داشت بر ضد بن‌خده وارد عمل شده و فرحت عباس رییس‌جمهور که تمایلات اسلامی داشت را برکنار و بن‌خده نخست‌وزیر را نیز خانه‌نشین کردند و احمد بن‌بلا در ۱۳ سپتامبر ۱۹۶۳ به ریاست‌جمهوری رسید. احمد بن‌بلا بعد از به قدرت رسیدن، دچار کودتای مشترک سرهنگ شعبانی و حسن آیت‌احمد شد ولی با مساعدت سرهنگ هواری بومدین این کودتا در هم شکست و سرهنگ شعبانی اعدام شد.

بن‌بلا پس از این واقعه اعلام کرد که مسلمانی مومن است که به سوسیالیسم نیز گرایش دارد ولی منکر تمایلات کمونیستی شد. بن‌بلا در ۱۹۶۴ جایزه صلح لنین گرفت و به اتحاد شوروی بسیار نزدیک شد و در اوایل ژوئن ۱۹۶۹ در اجتماعی در «سیدی بل‌عباس» در غرب الجزایر گفته بود که در بطن دولت انقلابی الجزایر اختلاف نظری وجود ندارد، انقلاب سوسیالیستی و کشور ما بیشتر از همیشه آماده مقابله با هر توطئه‌ای است که ممکن است از کانون‌های گوناگون سرچشمه بگیرد

### کودتای سرهنگ بومدین و حکومت او

سرهنگ بومدین، رییس ستاد ارتش در بامداد ۱۹ژوئن ۱۹۶۵ به کمک وزیر خارجه الجزایر یعنی بوتفلیقه دست به کودتا زد و بن‌بلا را در ۲۰۰ کیلومتری جنوب شرقی الجزایر در زندانی کاملا سری محبوس کرد و بعد از مرگ بومدین از زندان آزاد و روانه سوییس شد. بومدین رییس‌جمهور جدید همچنان عبدالعزیز بوتفلیقه را در پست وزیر خارجه باقی گذاشت. او توانست کودتای سرهنگ طاهر زبیری را سرکوب کند و چند حادثه سوءقصد را با موفقیت پشت‌سر بگذارد. او در ۱۹ نوامبر ۱۹۷۶ قانون اساسی جدید را به رفراندوم گذاشت که طبق آن رژیم الجزایر دموکراتیک خلق با مرام سوسیالیستی است اما دین رسمی اسلام است. او نفت الجزایر را ملی کرد و در ۱۹۷۵ در جریان کنفرانس سران اوپک بین ایران و عراق میانجیگری کرد که منجر به انتشار قرارداد مارس ۱۹۷۵ بین ایران و عراق شد که این قرارداد به امضا عباسعلی خلعتبری، وزیر خارجه ایران، سعدون حمادی وزیرخارجه عراق رسید ضمنا عبدالعزیز بوتفلیقه، وزیر خارجه بر کلیه مراحل این قرارداد نظارت داشت. بومدین در ۱۹۷۸ بر اثر یک بیماری مزمن کبدی درگذشت و در نتیجه وزیر دفاع او یعنی شاذلی‌بن جدید به ریاست‌جمهوری‌رسید.

### از برقراری فضای باز سیاسی شاذلی‌بن جدید تاکودتای نظامیان

او در ابتدای حاکمیت خویش فضای باز سیاسی ایجاد و احمد بن‌بلا را از زندان آزاد کرد و سپس در ۱۹۸۴ در جریان سی‌امین سالروز قیام مردم الجزایر از فرحت عباس تجلیل کرد. او اولین رییس حکومت الجزایر بود که مورد بی‌مهری بن‌بلا قرار گرفت و خانه‌نشین شد. او کتابی تحت عنوان مصادره استقلال نوشت که در آن غصب قدرت را توسط بن‌بلا و یارانش محکوم کرده بود. وی یک سال بعد یعنی در ۱۹۸۵ درگذشت. شاذلی‌بن جدید از اختیارات خود کاست و بخشی از آن را به «عبدالحمید براهیمی» واگذار کرد و در زمان او بود که «شیخ عباس مدنی» رهبر جبهه نجات اسلامی در انتخابات انجمن‌های ایالتی به پیروزی چشمگیری نایل شد. این پیروزی و تظاهرات اسلام‌گرایان باعث شد که ارتش در ۱۱ ژانویه ۱۹۹۲ ضمن کودتایی، شاذلی‌بن جدید را مجبور به استعفا کند.

### از حکومت نظامی ژنرال خالد نزار تا ریاست جمهوری بوتفلیقه

این بار عنوان ژنرال خالد نزار، ریاست شورای امنیت و حاکم نظامی کشور بود. او دستور داد که شیخ عباس مدنی که در اواخر حکومت شاذلی‌بن جدید زندانی شده بود را همچنان در زندان نگه دارند. در ۱۴ ژانویه ۱۹۹۴ ژنرال خالد نزار از محمد بوضیاف که از اعضای سابق جبهه آزادی‌بخش ملی و از مخالفان حکومت تک‌حزبی بن‌بلا بود از مراکش به کشور دعوت کرده و در ۱۶ ژانویه ۱۹۹۲ به ریاست جمهوری رسید در حالی که ارتش بر اعمال او نظارت می‌کرد. او در اولین قدم برای حفظ امنیت در کشور دستور داد تا محاکمه شیخ عباس مدنی به تعویض افتد تا آشتی ملی تحقق یابد. در ۲۹ژوئن ۱۹۹۲ ضمن یک سخنرانی در شهر عنابه در مرز تونس هدف گلوله قرار گرفت. منابع آگاه در آن زمان اظهار داشتند که ارتش در این ترور دست داشته است. در دوم ژوئیه ۱۹۹۲ شورای امنیت کشور که ریاست آن با ژنرال خالد نزار بود، سرهنگ علی کافی را به ریاست جمهوری رسانید. در ۱۵ ژوییه دادگاه ویژه، شیخ عباس مدنی را به ۱۲ سال زندان محکوم کرد. جبهه نجات اسلامی به تلافی این کار سرهنگ قاصدی مرباح، رییس ضد اطلاعات ارتش را ترور کرد. از این پس ترورهای خیابانی و بمب‌گذاری دو طرف در معابر عمومی آغاز شد. در اوت ۱۹۹۲ رضا مالک، نخست‌وزیر از عهده برقراری امنیت برنیامد، به‌طوری که شورای نظامی کشور که همچنان ریاست آن با ژنرال خالد نزار بود، در ۳۰ ژانویه ۱۹۹۴، ژنرال زروال را به ریاست جمهوری رسانیدند. ژنرال امین زروال زمانی به ریاست جمهوری رسید که دست‌های پنهان از جانب دوطرف در شهر و روستا دست به ترور فردی و جمعی می‌زدند. این وضع تا آنجا ادامه یافت که شورای نظامی و امنیت کشور مجبور شد که شیخ عباس مدنی و یارانش را از زندان آزاد کند و در منازل خویش تحت‌نظر قرار دهد. مقداد صیفی، نخست‌وزیر که در مذاکرات آشتی ملی شکست خورده بود، جای خود را در اول ژانویه ۱۹۹۶ به احمد اویحیی داد و وضعیت امنیتی تا حدی متعادل شد زیرا بعضی از مقامات دولتی مانند عبدالسلام هباشی با بعضی از سران اسلام‌گرایان مذاکره کردند نظامیان مجبور شدند که اولا در ۱۹۹۷ شیخ عباس مدنی را به طور کلی آزاد کنند، ثانیا ژنرال امین زروال در ابتدای ۱۹۹۹ اعلام کرد که مردم در فضایی آزاد می‌توانند رییس‌جمهور خود را انتخاب کنند. از این رو کسانی مانند عبدالعزیز بوتفلیقه، وزیرخارجه پیشین که در ۱۹۵۶ به ارتش آزادی‌بخش پیوسته بود و سابقه سیاسی و نظامی را داشت، داوطلب ریاست‌جمهوری شد، اما کسان دیگر از سیاسیون باسابقه مانند ابوطالب ابراهیمی، عبدالله جاب‌الله، حسن آیت‌احمد و یوسف خطیب داوطلب ریاست جمهوری شدند ولی در ۱۶ آوریل ۱۹۹۹ در میان تعجب محافل سیاسی فقط بوتفلیقه در انتخابات تک نامزدی شرکت کرد و به پیروزی رسید. محافل سیاسی معتقد شدند به علت آنکه ارتش فقط از نامزدی بوتفلیقه پشتیبانی کرد، سایر نامزدها به خاطر استمرار امنیت از شرکت در انتخابات صرف‌نظر کردند و بوتفلیقه از ۱۹۹۹ تاکنون در دوره‌های مختلف به ریاست جمهوری رسیده است.

### بیوگرافی بوتفلیقه

عبدالعزیز بوتفلیقه متولد مارس ۱۹۳۷ است. او در مراکش تحصیل کرده است. در ۱۹۵۶ به ارتش آزادی‌بخش ملی پیوست. در ۱۹۶۲ وزیر ورزش و گردشگری شد و در زمان حکومت‌های بن‌بلا و بومدین وزیرخارجه بود و در ۱۹۶۵ در بین اختلافات بن‌بلا و بومدین از بومدین پشتیبانی کرد. او سیاستمدار فعالی است و در حال حاضر در برابر اغتشاشات الجزایر برای آرام کردن کشور وعده اصلاحات داده است.

**منابع:**

۱- حکومت‌گران کشورهای اسلامی نوشته سیروس غفاریان، انتشارات مدرسه تهران، ۱۳۸۰
۲- تاریخ معاصر کشورهای اسلامی ویژه دوره تربیت‌معلم، تالیف سیروس غفاریان، انتشارات سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش.
۳- جهان اسلام نوشته اسعدی، انتشارات سمت.
۴- دانشنامه دانش‌گستر دوره ۱۸ جلدی زیر نظر محمدعلی سادات، انتشارات دانش‌گستر تهران، ۱۳۸۹.

نگاه تاریخی

مدل‌های قدرت سیاسی و مدیریت زنان در قرون میانه در کشورهای اسلامی

## صفوه‌الدین پادشاه خاتون

فائزه توکلی*

■ پادشاه خاتون (دختر قتلغ ترکان) مدتی پس از مرگ مادرش در کرمان به حکومت رسید. صفوه الدین لقب پادشاه خاتون دختر قطب الدین محمد بود که در سال ۶۵۴ ه.ق متولد گردید. او زنی عاقل، باوقار، خوشرو و نیکو سیرت بود. صفوه الدین با نام «حسن شاه» در میان برادران خود بزرگ شده و رازش از اطرافیان مخفی نگه داشته شده بود. (میرخواند، ص۱۹۲) در فن خط مهارت داشت، مصاحف و کتب به خط او در کرمان و سایر ولایات موجود است (تاریخ شاهی، ص۲۲۷) مدح زیبایی او به گوش آباقاخان فرزند هلاکو رسید، آباقاخان از وی خواستگاری کرد. ازدواج با غیرمسلمان اگرچه مخالف قوانین اسلامی بود، ولی به جهت منافع ظاهری دولت پذیرفته و اوضاع شهر کرمان تثبیت گردید. مرگ ناگهانی آباقاخان در سال ۶۸۰ ق باعث گردید که ترکان‌خاتون در زمان احمد تکودار، حاکمیت خود را مدتی از دست بدهد، اما با حضور ایلخان جدید ارغون (۶۸۳ ق)، رقبای سیاسی پادشاه خاتون مانند جلال‌الدین برادرش به دور کردن وی از صحنه سیاست از طریق ترغیب ازدواج ملکه با گیخاتو ناپسری آباقاخان و فرستادن او به آناتولی، به انجام رسید. در سال ۶۹۰ ق با مرگ ارغون، گیخاتو جانشین وی شد و اولین کار او عزل جلال‌الدین سیورغاتمیش از سلطنت کرمان و واگذار کردن حاکمیت آنجا به همسرش پادشاه خاتون بود. پادشاه خاتون با لقب «صفوه الدنیا والدین» بر تخت سلطنت جلوس نمود. سودای سلطنت خواهی برادر، پادشاه خاتون را وادار به طرح قتل و حذف وی کرد. این کار پادشاه خاتون موجب نفرت مردم شد، اما وی با دادن هدایای زیاد بین مردم به رتق و فتق امور پرداخت. با بی‌کفایتی گیخاتو، رقبای سلطنت از جمله «بایدو» از امرای ایلخانان علیه وی به مقابله برخاستند تا آنکه در سال ۶۹۴ گیخاتو اعدام شد و پادشاه خاتون همسر او نیز توسط شاه‌عالم- زن بایدو دختر سیورغاتمیش به همراه «کردوچین» مادر شاه عالم که در پی فرصتی برای انتقام از پادشاه خاتون بودند توسط امرای خائن، وی را در چادرش به قتل رساندند. (منشی کرمانی، ص ۷۲)

پادشاه خاتون خطاطی ماهر و نویسنده‌ای صاحب‌سبک بود. (میرخواند، ج ۳، صص ۲۷۱ ـ ۲۷۰) در زمینه تذهیب و تزیین نیز مهارت داشت و بسیاری از نسخه‌های قرآن کریم را تذهیب نمود. شاعری بسیار توانا و تخلص نیز «لاله خاتون» بود. در موزه برلین یک سکه طلا و یک سکه نقره کمیاب با عنوان گیخاتو پادشاه جهان خداوند عالم پادشاه خاتون وجود دارد. (مشیر سلیمی، ج ۱، ص ۵۹ـ۵۸) مدل حاکمیت پادشاه خاتون در شکل دیدگاه دو بعدی قدرت یعنی نفوذ و اقتدار و در جریان حذف رقبا از شکل یک بعدی قدرت یعنی حذف و قتل برادرش جلال‌الدین گواهی بر دوگانگی و از طرفی دیانت وی بود، زیرا پس از قتل جلال‌الدین برای رضایت مردم که مخالف وی شده بودند، توانست با پخش هدایا که یکی از ابزارهای رضایتمندی توده‌هاست بر آنان سلطه یابد که می‌توان این عملکرد وی را شکلی از بعد سوم قدرت که اقتدار توأم با ابزارهای پنهانی قدرت بود، دانست.

### آبش‌خاتون

آبش‌خاتون در فاصله سال‌های ۶۸۵ ـ ۶۲۲ ق در منطقه فارس به پادشاهی دولت سلغریان رسید. کرد و چین دختر آبش خاتون با سلطان جلال‌الدین سیورغاتمیش فرزند قطب الدین محمد ازدواج نمود. (منشی کرمانی، ص۵۶)

سلغریان فارس به واسطه این ازدواج با دولت قتلغ کرمان رابطه خویشاوندی برقرار نمودند. حاکمیت آبش‌خاتون در فارس همزمان با حاکمیت قتلغ ترکان در کرمان بود. آبش‌خاتون در سال ۶۶۲ ق با حکم هلاکو همانند ولیعهدهای ذکور بدون کوچک‌ترین مشکلی به سلطنت رسید و روزهای جمعه به نامش خطبه خوانده می‌شد و سکه ضرب گردید. (زرکوب شیرازی، ص۸۹) آبش‌خاتون پس از یک سال حکومت در فارس نامزد منگو تیمور پسر هلاکو شد و با او ازدواج نمود. جهیزیه او به موجب فرمان ایلخان غیر از یک ششم ایالت فارس سالانه هفتاد هزار دینار تعیین گردید. (اوچوک، نقل از یادداشت‌های قزوینی، ص ۲۲۰) در واقع وصلتی که بین مغولان و دختران حکام تابع صورت می‌گرفت، راهی برای خویشاوندی و تصاحب ایالت‌های با ارزش دنیای اسلام بود. آبش خاتون جهت تایید ایلخانان وقت یعنی احمد تکودار توانست با خزاین فراوان و تایید اتابکی از جانب ایلخان وارد شیراز شود و تخت پادشاهی پدر و پدربزرگ را تصاحب نماید. قضات و صاحبان املاک از وی استقبال کردند. خواجه نظام الدین وزیر آبش خاتون که یک فرد محلی بود با رضایت مردم از طرف آبش خاتون برگزیده شد و زمینه رفاه مردم را فراهم آورد. در سال ۶۸۳ ق با روی کار آمدن ارغون اداره فارس به سید عمادالدین ابویعلی واگذار گردید و طرفداران آبش‌خاتون به مقابله با وی پرداختند و او را کشته و در گودالی انداختند. ارغون نیز آبش‌خاتون را به واسطه آنکه عروس هلاکو بود، مجازات نکرد اما به تبریز فرستاد و آبش خاتون پس از ۲۳ سال حکومت در سال ۶۸۵ ق در چرنداب تبریز که اردوی ییلاقی مغولان بود چشم از جهان فروبست. (زرکوب شیرازی، ص۹۶) پس از مدتی محل دفن را از تبریز به شیراز انتقال داده و در مدرسه عضدیه که مادرش ترکان‌خاتون احداث نموده بود، دفن گردید. (خوانی، ۳۵۷) مدل حاکمیت آبش‌خاتون تابع دیدگاه دوم قدرت است که به واسطه خویشاوندی با ایلخانان مغول توانست به اقتدار برسد و از حمایت آنان استفاده کرد و مدت طولانی در استان فارس که منطقه وسیعی را دربر می‌گرفت، توانست اتابکی ناحیه را از آن خود کند. ستیز با رقیب خود عمادالدین ابویعلی نیز توسط طرفداران وی انجام گرفت و الزاما به دستور ایشان نبود.